

در امتداد تاریکی

## خواستگاری بهانه هوسرانی!

در حالی که من و خواهرم هیچ خواستگاری برای ازدواج نداشتیم ناگهان ماجرابی رخ داد که خواستگاران مختلفی زنگ منزلمان را به صدا درآوردند اما وقتی هیچ کدام از این خواستگاری ها به نتیجه نرسید تا نه فهمیدم بازچه هوسرانی برای افرادی شده ایم که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۳۴ ساله مطلقه ای است که مدعی بود او و خواهرش فریب چرب زبانی و حيله گری های زنی به نام «بانو» را خورده اند که خواستگارانی را برای ازدواج به آن ها معرفی می کرد. این زن جوان با اشاره به این که اعتماد و اطمینان بی جا به یک زن مدعی خیر اندیشی، زندگی او و خواهر مجردش را در آستانه تباهی قرار داده است به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سناباد مشهد گفت: به علت اشتباه بزرگ ترها در دوران جوانی با مردی ازدواج کردم که ۳۰ سال از خودم بزرگ تر بود به همین دلیل هم اختلافات زیادی با یکدیگر داشتیم و همدیگر را به هیچ وجه درک نمی کردیم این بود که ۱۰ سال قبل و در حالی که تازه وارد بیست و چهارمین بهار زندگی شده بودم از «قدرت» طلاق گرفتم و به خانه پدرم بازگشتم اما آن جا هم از نظر روحی و روانی آرامش نداشتم چرا که خواهر کوچک تر و برادر ۴۰ ساله ام نیز مجرد بودند و پدر و مادر پیرم توان اقتصادی خوبی برای تأمین هزینه های زندگی ما نداشتند. از سوی دیگر نیز مدام نیش و کنایه و سرزنش های اطرافیانم را تحمل می کردم و از این موضوع بسیار رنج می کشیدم. خلاصه به این شرایط خیلی دوست داشتم دوباره ازدواج کنم و زندگی مستقلی داشته باشم ولی می خواستم این بار خودم تصمیم بگیرم و حتی خواهر کوچک ترم را نصیحت می کردم که بدون عشق و علاقه و تحقیقات کافی هرگز پای سفره عقد ننشیند با این حال چون در محله ای قدیمی و حاشیه شهر زندگی می کردیم و شرایط اقتصادی مناسبی هم نداشتیم، هیچ خواستگاری به سراغ نامی آمد تا این که روزی یکی از همسایگان پای در دردم نشست و سپس گفت: زنی به نام «بانو» امی شناسد که برای «خیراندیشی و نیگو کاری» واسطه ازدواج دختران و پسران زیادی شده است اگر شما هم دوست دارید من شماره تلفن شما را برای معرفی خواستگاران شایسته در اختیارش بگذارم! من که از شنیدن این موضوع خیلی خوشحال شده بودم بی درنگ قبول کردم و لیکن سعادت و خوشبختی بر لبانم نقش بست. طولی نکشید که «بانو» با من تماس گرفت و با چرب زبانی و ادب خاصی با من گفت و گو کرد. «بانو» که صدایی مهربان و دلنشین داشت قول داد نه تنها برای من و خواهرم شوهر مناسبی پیدا می کند بلکه برادرم را نیز از این شرایط رها خواهد کرد. بعد از این تماس تلفنی پای خواستگاران زیادی به خانه ما باز شد و هر روز افراد رنگ مزنگ منزلمان را به صدا درمی آوردند در همین حال یک روز یکی از خواستگاران که مرد میان سالی بود به من پیشنهاد کرد برای آشنایی بیشتر با یکدیگر بیرون برویم تا از هم شناخت پیدا کنیم. من هم که دوست داشتم هر چه سریع تر سر و سامان یابم و ازدواج کنم، پیشنهادش را پذیرفتم. او مرا به خانه ای برد که دو مرد دیگر هم آن جا بودند. ولی بعد از تعارف آن میوه، غذاهای چربیز و نفهمیدم، وقتی چشمانم را گشودم متوجه موضوعات غیر اخلاقی شدم اما به روی خودم نیاوردم چون او آشور و شوق خاصی ادعا کرده خانه بازگردم تا او به خواستگاری ام بیاید! ولی بعد از گذشت چند روز از آن مرد خبری نشد و وقتی با «بانو» تماس گرفتم و موضوع را گفتم او با تعجب اظهار بی اطلاعی کرد و مدعی شد از خواستگاری چنین فردی خبر ندارد! و من نباید به او اعتماد می کردم. در حالی که این ماجرا تأثیر بدی بر روح روانم گذاشته بود، چند روز بعد مرد ۵۵ ساله عرب زبانی به خواستگاری خواهر مجردم آمد. «بانو» چنان از ثروت و اخلاق او تمجید می کرد که مدعی بود دیگر خوشبختی به شماروی آورده و به قول معروف «ناتان در روغن افتاده است!» ولی «سلیمان» ادعا کرد چون مدارکش در کشور دیگری است باید مدتی خواهرم را به عقد موقت خودش درآورد تا بعد از تکمیل مدارک در ایران، مراسم ازدواج دایم را برگزار کنیم.

خواهرم نیز پذیرفت و با خواندن صیغه محرمیت به عقد موقت «سلیمان» درآمد اما یک هفته بعد او به بهانه آوردن اسناد و مدارک هویتی به یکی از کشورهای همسایه رفت و دیگر بازنگشت. وقتی موضوع را پیگیری کردیم او مدعی شد مبلغ ۵۰ میلیون تومان به ما پرداخته است ولی قصد ازدواج دایم را ندارد در میان بهت و حیرت تا زه فهمیدم که این پول به حساب «بانو» واریز شده است! این در حالی بود که خواهرم به امید ازدواج دایم با آن مرد عرب زبان، آینده خود را به تباهی کشیده بود! با وجود این همه ماجراهای تلخ، باز هم «بانو» ادعا می کرد: «لوقط خواستگاران را به ما معرفی کرده است و نقشی در کلاهبرداری یا فریب خوردگی دیگران ندارد. در همین حال «بانو» با چرب زبانی خاصی دوباره مرد جوانی را به ما معرفی کرد که مدعی بود یک خواستگار واقعی است و قصد دیگری جز ازدواج و سرو سامان دادن به زندگی اش را ندارد ولی نمی دانم چرا باز هم فریب چرب زبانی های او را خوردم و حرف هایش را باور کردم. وقتی «هومن» را دیدم او گفت: می خواهی من و خواهرم را در کنار یکدیگر ببیند تا هر کدام برای ای ازدواج با من مناسب بودیم مقدمات ازدواج را فراهم کند! ولی متأسفانه «هومن» هم به بهانه این که تصاویری از من و خواهرم را باید به خانواده اش نشان بدهد، فیلم و عکس های بدون حجاب و در شرایط نامناسب از ما تهیه کرد ولی دیگران او هم خبری نشند! وقتی فهمیدم که مافقط بازچه هوسرانی برای خواستگاران قلابی «بانو» هستیم در حالی که کلانتری آمدم که او مارا تهدید به انتشار این فیلم ها کرده است ...!

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده با دستور ویژه سرگرد محمد باقر پورفر (رئیس کلانتری سناباد) در حالی مورد واکاوی های پلیسی قرار گرفت که اقدامات مشاوره ای نیز برای دو خواهر جوان در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

اختصاصی خراسان

## عاملان دستبرد به دام های منازل روستایی دستگیر شدند

# ورزشکار حرفه ای در باند دزدان احشام!

## سارقان، گوسفندان را با طناب از روی دیوار منازل بالا می کشیدند و با پژو به سرقت می بردند



تصاویر متهمان باند سرقت احشام

او گفت: از طریق ریش سفیدان محلی با جوانی به نام «ع-ز» صحبت کردیم که او ضمن اقرار به سرقت مذکور، همدست خود رانیز «هادی-ع» معرفی کرد که در پرونده سرقت احشام دستگیر شده بود. هنوز بررسی های کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد در این باره ادامه داشت که زوج کهن سالی نیز با مراجعه به پلیس ادعا کردند دام های آنان در زمین های کشاورزی سرقت شده است و سارقان با استفاده از خودروی پژو ۴۰۵ گوسفندان سرقتی را انتقال داده اند. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با توجه به گسترش دامنه سرقت های مذکور در روستاهای شرق مشهد، تلاش کارآگاهان با دستورات تخصصی سرهنگ نگهبان و هماهنگی های قضایی برای ریشه یابی پرونده های یاد شده در حالی ادامه دارد که بررسی های پلیس نشان داد هیچ کدام از اعضای این باند که در یکی از سرقت های خود، سنگ مال باخته را با گوشت سمی سموم کرده اند و سپس همه احشام را به سرقت برده اند، معناد نیستند و خود روستایی که متعلق به پدر یکی از متهمان است گوسفندان سرقتی را انتقال می دادند.

همچنین ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که سارقان مذکور بیشتر سرقت های خود را در محدوده جاده سرخس، جاده میامی و روستاهای آبروان، اره و آبمال انجام می دادند و در ساعات پایانی شب به گاش ها دستبرد می زدند.

فقط در یکی از سرقت ها به همراه اعضای باند بوده و تنها به خاطر رودربایستی با دوستانش در سرقت احشام آن ها را همراهی کرده است. براساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، طولی نکشید که کارآگاهان با دستورات مقام قضایی «ابراهیم-ع» (یکی دیگر از اعضای باند سرقت) را هم دستگیر کردند و به دنبال مالخری رفتند که گوسفندان سرقتی را از آن ها می خرید. این مالخر جوان که شبانه در منزل مسکونی اش به چنگ کارآگاهان افتاده بود، در حالی مورد بازجویی قرار گرفت که یکی از مال باختگان دوارس گوسفند سرقتی خود را در میان گله گوسفندان وی شناسایی کرد. این مالخر احشام، به کارآگاهان گفت: من از سرقتی بودن گوسفندان اطلاعی نداشتم چرا که به صورت شبانه روزی کار می کنم و گوسفندان زیادی را خریده ام. در همین حال «هادی-چ» (سارق مدعی شد گوسفندان سرقتی را به میالغی بسیار اندک و به وی می فروختند! و گوسفندان را نیز در ساعات بامدادی به وی تحویل می دادند!

بنابراین گزارش، با متلاشی شدن این باند سرقت، اعضای آن با دستور قضایی و با سپردن وثیقه های قانونی تا هنگام تکمیل تحقیقات آزاد شدند اما در همین زمان یکی از اهالی روستاهای شرق مشهد از دستبرد به کندوهای عسل خود خبر داد و مدعی شد که سارقان را شناسایی کرده است.

بلافاصله کارآگاهان به منظور دستگیری عضو دیگر باند وارد یک منزل روستایی شدند اما پدر متهم ادعا کرد پسرش مشغول کار در زمین های کشاورزی است و در منزل حضور ندارد! در همین حال کارآگاهان که از اوضاع و احوال منزل، احتمال می دادند متهم در منزل مخفی شده باشد با ترغیبی پلیسی از خانه خارج شدند و چنین وانمود کردند که عازم زمین های کشاورزی هستند ولی هنوز از حیاط خارج نشده بودند که دوباره افسر پرونده به بهانه فراموش کردن سوییچ های خودرو به منزل روستایی بازگشت و با متهم تحت تعقیب روبه روشد که روی مبل نشسته بود اما او خود را با نام جعلی دیگری معرفی کرد و در پاسخ کارآگاه گفت: زوج حاضر در منزل نیز دایمی وزن دایی او هستند با وجود این ناگهان «هادی-چ» (عضو دستگیر شده باند) را در کنار پلیس دید که هویت واقعی او را همان «هادی-ع» (متهم تحت تعقیب) می دانست. این متهم ۲۶ ساله که خود را صاحب نام در یکی از رشته های ورزشی نیز معرفی می کرد به پلیس آگاهی منتقل شد و سپس کارآگاهان به سراغ «محمدعلی-س» (عضو دیگر باند) رفتند و او را هنگام خواب در منزل روستایی در حالی دستگیر کردند که مدعی بود مدال های قهرمانی کشوری و حتی مقام سوم آسیایی در یکی از رشته های ورزش حرفه ای را بر گردن آورخته است.

این متهم نیز در بازجویی ها اعتراف کرد

سارق یکی از جوانان همان روستا به نام «هادی-چ» است.

با این سرخ مهم، بی درنگ کارآگاهان مراتب را به قاضی حسنی (بازپرس شعبه ۴۰۴ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) اطلاع دادند و با کسب مجوزهای قضایی، عملیات دستگیری وی را آغاز کردند اما مال باخته قبل از اقدام عملیاتی پلیس و برای جبران خسارت، موضوع را به متهم تحویل داد و بدین ترتیب این جوان ۲۵ ساله فراری شد. از سوی دیگر رد زنی های اطلاعاتی برای شناسایی مخفیگاه وی ادامه داشت تا این که مشخص شد او به عنوان نگهبان در یکی از مراکز صنعتی مشهد مشغول کار شده است. این بار کارآگاهان در یک عملیات نامحسوس و ضربتی وارد عمل شدند و متهم ۲۵ ساله را به دام انداختند. همزمان با انتقال وی به مقر انتظامی، تحقیقات و بازجویی در حالی آغاز شد که حدود ۱۴ تن از مال باختگان از وی شکایت کردند.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، متهم یاد شده در بازجویی های فنی، ضمن اعتراف به سرقت از گاش های روستایی، ۳ همدست دیگر خود را نیز به پلیس لو داد و گفت: سرقت گوسفندان را با ۳ عضو دیگر باند که همگی از اهالی یک روستا هستند با استفاده از خودروی پژو ۴۰۵ انجام داده اند و احشام سرقتی را به مالخری در اطراف شهر ک شهید باهنر فروخته اند!

در پی اعترافات این متهم ۲۵ ساله،

سید خلیل سجادیپور- باند ۴ نفره دستبرد به دام های منازل روستایی در حالی با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد متلاشی شد که یکی از مدال آوران ورزش حرفه ای نیز از اعضای باند سارقان احشام است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای سرقت گوسفندان از روستاهای شرق مشهد هنگامی پلیس را به تگاپو انداخت که دستبرد به دام های منازل روستایی روند صعودی به خود گرفت و پرونده های متعددی از اواخر سال گذشته در مراکز انتظامی شکل گرفت. بنابراین فرمانی ویژه از سوی سرهنگ احمد نگهبان (فرمانده انتظامی مشهد) موجب شد تا رسیدگی تخصصی به پرونده سرقت های احشام به پلیس آگاهی سپرده شود. به همین دلیل گروهی از کارآگاهان زیر نظر مستقیم سرهنگ مصطفی صادقی (رئیس پلیس آگاهی مشهد) وارد عمل شدند و کنکاش های میدانی خود را با بازدید از محل های سرقت آغاز کردند. بررسی های مقدماتی بیانگر آن بود که سارقان بدون تخریب قفل یا در منازل روستایی به «گاش ها» (طوبله) دستبرد زده اند. اگرچه در فرضیه های ابتدایی، سرقت توسط افراد آشنا مورد توجه پلیس قرار گرفت اما آثار خراشیدگی و ریزش اندک دیوارهای خاکی و سیمانی نشان داد که دزدان حرفه ای وارد گاش نشده اند بلکه با استفاده از یک رشته طناب به سرقت گوسفندان از روی دیوار اقدام کرده اند و سپس آن ها را با یک دستگاه خودروی سواری انتقال داده اند چرا که آثاری از لاستیک خودرو نیز در محل وجود داشت. گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که تحقیقات کارآگاهان برای شناسایی دزدان وارد مرحله جدیدی شده بود، اواسط فروردین امسال سرقت مشابه دیگری در یکی از روستاهای شرق مشهد رخ داد که همه صحنه های دستبرد به طور کامل توسط دوربین مدار بسته ثبت و ضبط شده بود. صبح روز بعد مال باخته با ارائه فیلم دوربین مدار بسته به کارآگاهان، یکی از سارقان رانیز به راحتی شناسایی کرد و مدعی شد

## محموله ۱۴۲ کیلویی شیشه و هرویین کشف شد

جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان تصریح کرد: ماموران در بازرسی از این خودرو ۸۸ کیلو هرویین، ۵۴ کیلو شیشه و ۱۰ کیلو تریاک کشف و خودروی اول راه به همراه راننده و سرنشین آن برای تکمیل تحقیقات به نزدیک ترین مقر انتظامی منتقل کردند. این مقام ارشد انتظامی همچنین از کشف ۳۰۰ کیلو تریاک در دو عملیات پلیسی در فهرج و سیرجان خبر داد.

دستگاه خودروی پژو از نقاط فرعی شدند و با استقرار ضربتی در ادامه مسیر، این خودرو را متوقف کردند. سردار روانبخش ادامه داد: ماموران هنگام بازرسی دو سرنشین این خودرو، متوجه دوزدن یک دستگاه خودروی پژو قبل از محل حضور خود شدند که با اعزام نزدیک ترین واحد گشت تکاوری به محل اعلامی مشخص شد راننده آن با به جا گذاشتن خودرو در یک نقطه از محل فرار کرده است.

**توکلی** - پلیس سوداگران مرگ را در انتقال محموله مواد روان گردان شیشه و هرویین در جاده های خاکی ناکام گذاشت.

به گزارش خراسان، جانشین فرماندهی انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر اظهار کرد: نیروهای یگان تکاوری ۱۲۴ کوبر شهداد و پایگاه شهید خواجهی «بهرامجرد» هنگام گشت زنی در یکی از محورهای روستایی شهرستان بردسیر متوجه عبور یک

## سرقت یک کیلو طلا و جواهر با پوشش نطفatchی

با اقدامات انجام شده پلیسی متهم مورد شناسایی قرار گرفته و پس از هماهنگی با مقام قضایی و گرفتن مجوزهای لازم، طی عملیاتی در مخفیگاهش واقع در شهرستان اندیشه شهریار دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. فرمانده انتظامی غرب استان تهران با اشاره به انجام بازجویی از متهم دستگیر شده گفت: این فرد که نطفatchی خانه مذکور بود، در بازجویی ها اعتراف کرد که با همکاری یک پسر جوان اقدام به تهیه کلید در منزل کرده و با استفاده از غفلت صاحبخانه، طلا و جواهر را سرقت کرده است. عزیزی با بیان این که این فرد بیش از یک کیلو گرم طلا و جواهر و ساعت های گران قیمت مجموعاً به ارزش ۳۰ میلیارد ریال را به سرقت برده بود، گفت: متهم در اعترافش گفت که طلا و جواهر مذکور را به یکی از استان های کشور منتقل کرده که با هماهنگی انجام شده جواهرات مذکور نیز کشف و به مال باخته تحویل داده شد.

فرمانده انتظامی غرب استان تهران از دستگیری فردی که به سرقت بیش از یک کیلو گرم طلا و جواهر از خانه ای در شهرک اندیشه شهرستان شهریار اقدام کرده بود، خبر داد. سردار کیومرث عزیزی در تشریح جزئیات این خبر گفت: به دنبال وقوع یک فقره سرقت طلا و جواهر از منزلی در شهرک اندیشه شهرستان شهریار، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی غرب استان تهران قرار گرفت و آنان پس از اقدامات فنی و اطلاعاتی متوجه شدند که فردی به عنوان نطفatchی به منزل شاکي مراجعه داشته و در زمان سرقت نیز در محل حضور داشته است. در همین باره نیز تحقیقات پلیس آغاز شد. وی با اشاره به تحقیقات انجام شده، ادامه داد:

## دوربین های مدار بسته فاش کردند

## راز قتل هولناک پیرمرد تهرانی

حاضر شدند.

شواهد نشان می داد که مقتول بر اثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. کارآگاهان برای کشف اسرار این جنایت تصاویر دور بین های مدار بسته ای را که در اطراف محل جنایت وجود داشت، بررسی کردند. آن طور که تصاویر نشان می داد، ۲ مرد دروازه را بستند و ساعتی بعد در حالی که به شدت هراسان و دستپاچه بودند از ساختمان خارج شدند. به نظر می رسید عاملان جنایت آن قدر ترسیده بودند که فراموش کردند در آپارتمان را ببندند. در ادامه هویت ۲ مرد جوان به دست آمد. آن ها اهل کشور افغانستان بودند که با مقتول مر او ده های کاری داشتند. شکی وجود نداشت که آن ها عاملان اصلی جنایت هستند که بازپرس جنایی دستور بازداشتشان را صادر کرد تا انگیزه آن ها از جنایت مشخص شود.

دستپاچگی قاتلان پیرمرد تهرانی راز جنایت خونین را فاش کرد. به گزارش رکتنا، روز جمعه همسایه های مرد ۶۵ ساله ای که به تنهایی در آپارتمانی واقع در جنوب تهران زندگی می کرد صدای درگیری از خانه وی را شنیدند دخالتي نکردند اما ساعتی بعد، یکی از همسایه ها متوجه شد که در آپارتمان مرد تنها نیمه باز است. حتی تلویزیون هم روشن بود و صدایش شنیده می شد. مرد همسایه از سر کنجکاوی چندین بار مرد تنها را صدا زد اما کسی پاسخگو نبود. وی که نگران شده بود قدم در آپارتمان گذاشت و با پیکر خونین مرد همسایه که روی زمین افتاده بود روبه روشد. او سر اسیمه پلیس را خبر کرد و دقایقی از تماس وی می گذشت که کارآگاهان جنایی به همراه قاضی محمد جواد شفيعی، بازپرس جنایی تهران در محل حادثه